

گزارش

نوشین مقدم پناه
روزنامه نگار

دلیل اصلی ناکامی کارفرمایان در جذب نیروی کار ماهر، پایین بودن سطح کلی دستمزدهاست؛ کارگران رغبتی به کار با دستمزد مصوب وزارت کار یا حتی کمی بالاتر از آن ندارند، آن هم وقتی که در بازار کار رها و بدون قیدوبند مشاغل کاذب می توانند خیلی راحت چند برابر حداقل دستمزد مصوب، درآمد داشته باشند. در مجموع باید گفت افزایش تمایل به مشاغل کاذب قبل از هر چیز خروجی دستمزد بالاتر این مشاغل است. وقتی یک جوان در پلتفرم‌های مجازی چند برابر دستمزد رایج بازار کار درآمد ماهانه دارد و به اصطلاح «شاخ مجازی» می شود، انگیزه چندان‌ی برای ثبت تقاضای شغل رسمی و اقدام برای استخدام در او باقی نمی‌ماند. این فرد فقط در یک صورت به بازار کار رسمی برمی گردد؛ در صورتی که آینده خود را با کار کردن تأمین ببینند و پیشرفت شغلی در خور، امنیت شغلی، مزایای مناسب، تسهیلات زیستی و دستمزد کافی نصیبش شود.

بازار مشاغل کاذب در کشور به شدت داغ است و جوانان بسیاری به جای ورود به بازار کار رسمی و اشتغال در فرصت‌های شغلی سنتی، ترجیح می‌دهند به سراغ مشاغل کاذب بروند. رواج مشاغل کاذب در سال های اخیر یک واقعیت مسلم است. برای نمونه، مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۴۰۱ در گزارشی به صراحت می گوید ۶۰ درصد از مشاغل کل کشور کاذب است و سهم استان محرومی مانند سیستان و بلوچستان از این مشاغل ۷۳ درصد است.

مشاغل کاذب در تعریف با مشاغل غیررسمی هم‌پوشانی بسیاری دارند اما میان این دو مفهوم اقتصادی، تناظر یک به یک برقرار نیست. همه مشاغل کاذب به نوعی غیررسمی هستند، اما مشاغل غیررسمی الزماً کاذب یا سیاه نیستند. مثلاً زنان فروشنده یا خیاط، که به شیوه خوداشتغالی درآمدزایی دارند و از دستمزد مصوب و بیمه محرومند، کارگران غیررسمی به حساب می آیند اما شغل این گروه اصلاً کاذب نیست.

بر اساس تعاریف، مشاغل غیررسمی همه مشاغلی هستند که از حقوق بنیادین کار از جمله بیمه تأمین اجتماعی، دستمزد مصوب شورای عالی کار، ساعات کار قانونی، مرخصی و مزایای مزدی محروم هستند. چنین مشاغلی در اقتصاد غیررسمی خارج از پوشش چتر قانون کار و قانون تأمین اجتماعی قرار گرفته‌اند. شاغلان این حوزه، به احتمال زیاد در حال تولید کالا یا ارائه خدمات به جامعه هستند و نمی‌توان شغل آن‌ها را کاذب در نظر گرفت. این در حالی است که طبق تعاریف بین‌المللی، شغل کاذب اساساً در تعریف شغل جای نمی‌گیرد و روی دیگر بیکاری محسوب می‌شود. در این گونه‌شغل‌ها، اشخاص در جایگاه و یا موقعیت شغلی متناسب با تحصیلات و مهارت‌هایشان قرار نگرفته‌اند. از آنجا که این قبیل مشاغل ارائه خدمت خاص و یا عرضه یک کالا در جامعه را در پی ندارند، به‌عنوان شغل شناخته نمی‌شوند و تأثیری در شاخص‌های اقتصادی مانند تولید ناخالص ملی ندارند.

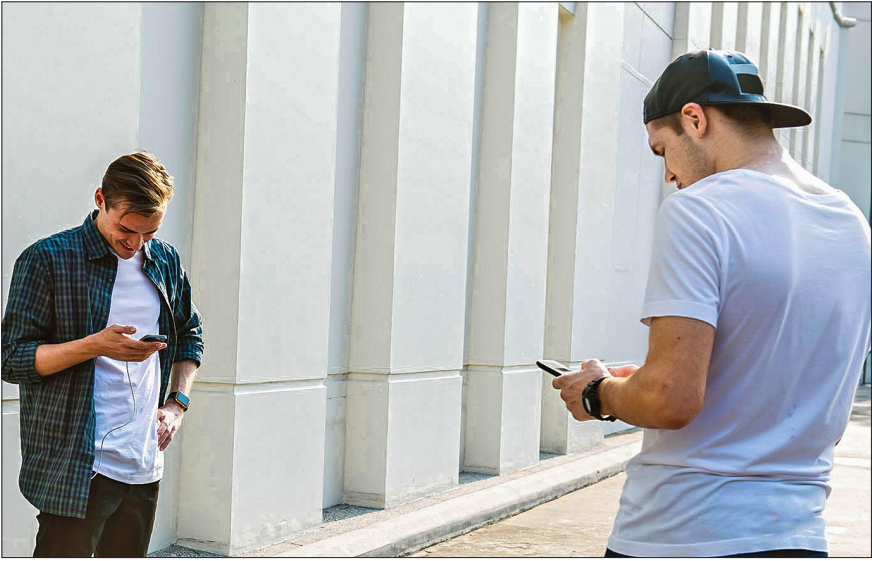
مشاغل غیررسمی و مشاغل کاذب

در تمایز این دو تعریف می‌توان مثال‌هایی آورد؛ زنان و مردان دستفروش، زنان شاغل در کارگاه‌های غیررسمی و فاقد بیمه مانند خیاط‌خانه‌های خانگی و رانندگان تاکسی‌های متفرقه و حتی رانندگان تاکسی‌های اینترنتی در صورتی که شامل توافقی‌های دسته‌جمعی بیمه تأمین اجتماعی نباشند، شاغلان غیررسمی به حساب می آیند اما مشاغلی در بازه وسیع و نامتجانس مانند بلاگری، گیم‌ری، سگ‌گردانی، چشندنه غذا، مجلس گرم کن و یا حتی گریه کن، مشاغل کاذب به‌شمار می‌آیند. فاطمه رسولی، فعال صنفی زنان کارگر، اشتغال گروه‌های آسیب‌پذیر به‌خصوص زنان سرپرست خانوار در اقتصاد غیررسمی را مغلول کمبود فرصت‌های شغلی شایسته برای این گروه دانست و در این رابطه به «آتی‌ه نو» گفت: «گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله معلولان، زندانیان آزاد شده و زنان بدسرپرست یا سرپرست خانوار، از روی ناچاری تن به مشاغل غیررسمی می‌دهند. در واقع این‌ها قربانی فقدان فرصت‌های شغلی مناسب و حمایت‌های اجتماعی هستند.»

او اضافه کرد: «درآمد این گروه از محل مشاغل غیررسمی به شدت پایین است. شاغلان غیررسمی گاهی یک‌دوم یا حتی یک‌سوم پایه مزد بدون مزایای مزدی دریافتی دارند. برای نمونه، زنانی را می‌شناسیم که در کارگاه‌های دوخت و دوز خیریه یا خانگی به شیوه کارمزدی کار می‌کنند و برای هفت ساعت کار در روز و پنج روز در هفته، ماهی فقط پنج تا شش میلیون تومان حقوق می‌گیرند.»

ریشه‌های جذابیت مشاغل کاذب چیست؟

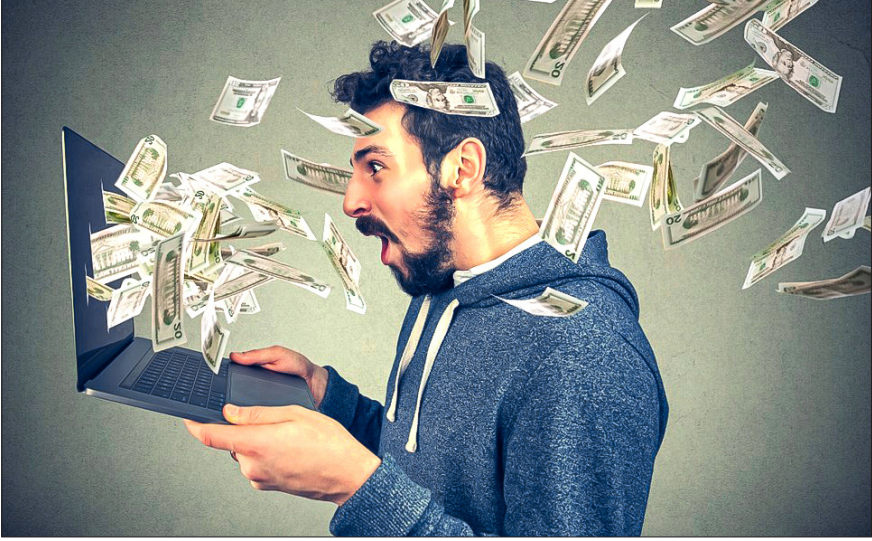
نسل Z به دنبال درآمد در فضای مجازی



بسیاری ده برابر درآمد رسمی و مصوب شورای عالی کار به قبول مشاغلی بدون حقوق و ضوابط قانونی می‌دهد، مشاغلی که با دستمزد آن‌ها حتی نمی‌توان کرایه خانه پرداخت کرد یا از پس هزینه‌های خوراکی خانوار برآمد، توضیح داد: «از روی ناچاری و استیصال. مسلماً اگر شغل بهتری با درآمد مناسب‌تر و برخورداری از بیمه و حقوق قانونی پیدا کنند، در این دست مشاغل غیررسمی که معمولاً کارمزدی و روزمزدی هم هست، باقی نمی‌مانند. این گروه از شاغلان، در انتخاب میان دو گزینه (بیکاری و شغل غیررسمی)، اشتغال غیررسمی را برگزیده‌اند؛ چراکه برایشان از بیکاری بهتر است و درآمد آن می‌تواند بخش کوچکی از هزینه‌های زندگیشان را تأمین کند.»

این فعال صنفی حقوق زنان کارگر، شغل شاغلان غیررسمی به‌خصوص زنان را خارج از حیطه اشتغال کاذب دانست و تأکید کرد: «باید میان مفاهیم تمایز قابل شویم؛ شغل این زنان به هیچ‌وجه کاذب نیست فقط غیررسمی است چون بیمه و دستمزد قانونی ندارند و به عبارت دیگر، تحت بهره‌کشی کارفرمایان به سختی کار می‌کنند تا نان دربیآورند.»

آمار دقیقی از تعداد شاغلان در اقتصاد غیررسمی کشور در دست نیست اما در سال‌های پایانی دهه ۹۰ علی ربیعی، وزیر وقت تعاون، کار و رفاه اجتماعی داده‌های نگران‌کننده‌ای در ارتباط با این حوزه اعلام کرد. به گفته او بین ۷ تا ۱۰ میلیون نفر در کشور در اقتصاد غیررسمی مشغول به کار هستند که حداقل ۲۵ درصد آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. با این حساب اگر به داده‌های چند سال



قبل انکا کنیم و فرض ثبات آمارها را در نظر بگیریم، می‌توانیم ادعا کنیم چیزی حدود ۲.۵ میلیون زن عموماً سرپرست خانوار از طریق اقتصاد غیررسمی امرار معاش می‌کنند.

ویژگی‌های جذاب مشاغل کاذب

بحث مشاغل کاذب از اساس متفاوت است. این قبیل مشاغل معمولاً از روی استیصال صرف شکل نمی‌گیرند و گاهی درآمدهای بسیار بالایی دارند که از قضا همین درآمد بالا جاذبه اصلی مشاغل مذکور است.

این روزها بیشتر مشاغل کاذب مدرن در حوزه فضای مجازی شکل گرفته‌اند که بعضاً درآمدهای قابل توجهی دارند. برای مثال «شاخ مجازی» اصطلاحی است که برای پرترفداران فضاهای مجازی مثل اینستاگرام استفاده می‌شود؛ افرادی که فقط از طریق تبلیغاتی که با بهره گرفتن از شهرت و تعداد طرفداران مجازی خود می‌گیرند، گاهی در یک هفته بیشتر از چند ماه حقوق یک کارگر متخصص درآمد دارند. برخی رسانه‌ها با استناد به گزارش‌های میدانی و مشاهدات عینی، از درآمد نجومی برخی مشاغل کاذب خبر داده‌اند؛ درآمدی که در موارد

اشتغال



atiyeno.ir



آغاز مذاکرات مزدی در شورای عالی کار

در نشست هجدهم دی‌ماه چه گذشت؟

هجدهم دی‌ماه، دومین نشست شورای عالی کار در سال ۱۴۰۳ با حضور نمایندگان قانونی و رسمی دولت، کارگران و کارفرمایان در محل وزارت کار برگزار شد. در این نشست، مذاکرات مزدی ۱۴۰۴ کلید خورد.

نشست این هفته جلسه‌ای برای ورود به مذاکرات مزدی ۱۴۰۴ بود. در دومین نشست شورای عالی کار در سال جدید که از قضا دومین نشست بعد از روی کار آمدن احمد میدری به‌عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز بود، در مورد پیش شرط‌های مذاکرات مزدی ۱۴۰۴ بحث و گفت‌وگو صورت گرفت. چندی پیش میدری در حاشیه حضور در کمیسیون اجتماعی مجلس اعلام کرد که اولین جلسه شورای عالی کار در تاریخ هجدهم دی‌ماه برگزار می‌شود.

او تأکید کرد: «هدف اصلی در این جلسات حفظ قدرت خرید کارگران در شرایط تورم و جلوگیری از افزایش اشتغال غیررسمی است؛ چراکه افزایش دستمزد نباید باعث بیکاری یا گسترش اشتغال غیررسمی شود و افزایش کمتر از تورم نیز به ضرر کارگران است. برخی مدیران دولتی معتقد بودند افزایش دستمزدها می‌تواند تورم را بالا ببرد یا باعث اخراج کارگران شود اما این دیدگاه از نظر علمی قابل قبول نیست.»

اکنون نمایندگان کارگری می‌گویند خوشبختانه رویکرد وزیر کار به مقوله دستمزد مثبت است. آیت اسدی، عضو اصلی کارگری در شورای عالی کار در این رابطه به «آتی‌ه نو» گفت: «فضای نشست هجدهم دی‌ماه شورای عالی کار مثبت بود و شخص وزیر کار نگاه خوبی به موضوع دستمزد داشت. امیدواریم با همراهی وزیر، دستمزد سال ۱۴۰۴ به‌گونه‌ای تعیین شود که نتیجه آن بهبود معیشت کارگران باشد.» بعداز نشست‌اخیر شورای عالی کار، برخی رسانه‌ها از ارائه پیشنهادات برای افزایش حق مسکن کارگری و اعداد و ارقام این حوزه خبر دادند. این در حالی است که به گفته اسدی، نشست شورای عالی کار، هیچ مصوبه‌ای در مورد اعداد و ارقام افزایش دستمزد یا افزایش حق مسکن کارگران نداشت و صرفاً در مورد پیش‌شرط‌های مذاکرات مزدی ونقطه‌نظرات شرکای اجتماعی گفت‌وگو شد.

نماینده کارگران در شورای عالی کار در ارتباط با خروجی این نشست بیان کرد: «مهم‌ترین خروجی این نشست، آغاز به کار کارگروه مزد متشکل از نمایندگان دولت، کارگران و کارفرمایان با هدف آغاز محاسبات دستمزد بود. کارگروه مزد، کارگروهی سه‌جانبه ذیل شورای عالی کار است که محاسبات مزدی از جمله تعیین نرخ سبد معیشت حداقلی خانوارهای کارگری (موضوع بند دوم ماده ۴۱ قانون کار) در آن صورت می‌گیرد و نتایج آن برای تصمیم‌سازی به شورای عالی کار ارجاع می‌شود.» او ادامه داد: «در نشست اخیر شورای عالی کار، ترکیب کارگروه مزد به تصویب رسید. در عین حال معاون روابط کار و وزارت تعاون به‌عنوان دبیر شورای عالی کار انتخاب شد. در ادامه جلسه هر گروه، نظرات خود را در ارتباط با مکانیسم‌های افزایش دستمزد ارائه داد.»

اسدی در پاسخ به این سؤال که نقطه نظرات و تأکیدات مشخص گروه کارگری چیست، گفت: «یکی از خواسته‌های گروه کارگری افزایش پایه مزد و توجه به اهمیت آن است. پایه دستمزد برای کارگران شاغل و بانز نشسته مهم است و به همه افراد تحت شمول تعلق می‌گیرد، بنابراین افزایش آن از افزایش سایر مؤلفه‌های مزدی مثل بن خواربار و حق مسکن اهمیت بیشتری دارد.» طبق اعلام این نماینده کارگری، در نشست شورای عالی کار، گروه کارگری بر مسائل دیگری مانند لزوم اجرای قانون و بازگشت به ماده ۴۱ قانون کار و بندهای آن تأکید کردند. بر اساس مصوبات شورای عالی کار، کارگروه مزد، کارخود را از هفته پیش‌رو آغاز خواهد کرد و جلسه بعدی شورای عالی کار نیز به‌زودی برگزار خواهد شد. ضمن اینکه به نظر می‌رسد مسائل حاشیه‌ای مانند گفت‌وگو بر سر دستمزد منطقه‌ای یا دستمزد صنایع، با همراهی شخص وزیر کار فعلاً از دستور کار شورای عالی کار خارج شده است.

در مجموع، نشست هجدهم دی‌ماه را می‌توان مثبت ارزیابی کرد. نگاه مثبت وزیر کار، مورد تأیید و خشنودی گروه کارگری واقع شده است. باید منتظر باشیم و ببینیم امسال در مذاکرات دستمزد چه اتفاقی می‌افتد و چه قدم‌هایی برای بهبود معیشت کارگران برداشته می‌شود.

راضی نمی‌شوند با دستمزد پایه وزارت کار روزی ۸ تا ۱۲ ساعت در محیط‌های سخت صنعتی کار کنند.» حبیبی با بیان اینکه بایستگی برای اشتغال در اقتصاد رسمی، جذابیت‌آفرینی شود، افزود: «یکی از مهم‌ترین راهکارها بهبود سطح کلی دستمزدهاست. بر اساس بند دوم ماده ۴۱ قانون کار، کارگر باید بتواند با دستمزدی که می‌گیرد از پس هزینه‌های ماهانه یک خانواده متوسط بربیاید. وقتی امروز دستمزدهای مصوب بسیار پایین‌تر از خط فقر است، انگیزه‌ای برای کار کردن باقی نمی‌ماند.» او تأمین امنیت شغلی، بهبود شرایط محیطی کار، افزایش پاداش و مزایای جانبی و ارائه خدمات و تسهیلات رفاهی از جمله ایجاد تعاونی‌های مسکن کارگری یا ساخت خانه‌های سازمانی را از دیگر عوامل ترغیب‌کننده جوانان برای ورود به بازار کار رسمی کشور دانست. همچنین توضیح داد: «در دهه ۶۰ شمسی، اکثریت کارگران قرارداد دائم داشتند، دستمزدها کافی بود و شرکت‌های بزرگ جهت تأمین مسکن برای کارگران خود اقدام می‌کردند. آن زمان، هیچ کارگری رانندگی اسنپ یا شغل کاذب را به کار در کارخانه یا تولیدی ترجیح نمی‌داد، اما الان اوضاع تغییر کرده و به نظر می‌رسد اصلاحات بنیادی لازم است تا نیروی جوان، به‌خصوص جوانان ماهر و تحصیل کرده، به کارخانه‌ها برگردند.»

کاهش تمایل برای مشارکت اقتصادی

مشاغل کاذب، روی دیگر سکه بیکاری هستند؛ چراکه معنایی جز کاهش مشارکت اقتصادی ندارند. در سال‌های اخیر یکی از دلایل اصلی تنزل آمارهای بیکاری، کاهش مشارکت اقتصادی بوده است. آمارهای رسمی نیز بر این ادعا مهر تأیید می‌زنند. بر اساس آخرین گزارش‌ها از مراجع رسمی آماری، نرخ بیکاری کشور در سال گذشته به ۸.۱ درصد رسیده، نرخ بیکاری بانوان ۲ درصد کاهش داشته و نرخ بیکاری فارغ التحصیلان ۱۰.۲ درصد کمتر شده است اما بخشی از علت کاهش نرخ بیکاری به کاهش تقاضا برای اشتغال یا پایین آمدن نرخ نیروهای جویای کار در کشور برمی‌گردد. آرشو مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که در پاییز ۱۳۹۸ حدود ۴۴.۳ درصد از افراد ۱۵ سال به بالا در کشور فعال بوده‌اند اما اکنون شمار افراد فعال جامعه تنها ۴۱.۹ درصد است. ایران در سال ۲۰۲۱ با نرخ مشارکت اقتصادی ۴۱.۹ درصدی در رتبه ۱۶۷ جهان قرار گرفت اما متوسط نرخ مشارکت اقتصادی در دنیا حدود ۵۹.۵ درصد بوده است. از سوی دیگر، یک نکته را هم باید در نظر داشت؛ آن هم اینکه کار در مشاغل کاذب و پاره‌وقت برای چند ساعت در هفته هم که باشد، فرد شاغل به حساب می‌آید و جزو آمار بیکاران قرار نمی‌گیرد. کاهش تمایل برای اشتغال در کارگاه‌های صنعتی و خدماتی، یک واقعیت مسلم است. در ماه‌های ابتدای امسال محمود کرمی‌بیرانوند، معاون وقت توسعه، کارآفرینی و اشتغال وزارت کار در این رابطه اعلام کرد که عمده فرصت‌های شغلی ایجاد شده مطابق با داده‌های مرکز آمار ایران و سامانه رصد اشتغال، مربوط به بخش خدمات و پس از آن بخش صنعت و کشاورزی است و تمایل نیروی کار به اشتغال در بخش‌های صنعتی و تولیدی کاهش یافته است.

ما با واقعیتی تلخ اما غیرقابل انکار مواجهیم؛ نرخ اشتغال رو به افزایش است اما کماکان در برخی از استان‌ها با وجود تقاضای بازار، نیروی جویای کار به اندازه کافی در دسترس نیست و افراد حاضر نیستند در برخی رشته‌های شغلی فعالیت کنند.

استان قزوین یکی از استان‌های صنعتی کشور است که کارفرمایان آن در سال‌های اخیر با مشکلی به نام کمبود نیروی کار ماهر مواجه شده‌اند. آیت اسدی، عضو کارگری شورای عالی کار و رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان قزوین در این رابطه گفت: «در شهرک‌های صنعتی قزوین، کارفرمایانی داریم که پشت سرهم آگهی جذب نیرو منتشر می‌کنند اما معمولاً کمتر موفق به جذب نیروی دلخواه می‌شوند.»

به گفته او، دلیل اصلی ناکامی کارفرمایان در جذب نیروی کار ماهر، پایین بودن سطح کلی دستمزدهاست. کارگران رغبتی به کار با دستمزد مصوب وزارت کار یا حتی کمی بالاتر از آن را ندارند؛ آن هم در شرایطی که در بازار کار رها و بدون قیدوبند مشاغل کاذب می‌توانند خیلی راحت چندبرابر حداقل دستمزد مصوب، درآمد داشته باشند. در مجموع باید گفت افزایش تمایل به مشاغل کاذب قبل از هر چیز خروجی دستمزد بالاتر این مشاغل است. وقتی یک جوان در پلتفرم‌های مجازی چند برابر دستمزد رایج بازار کار درآمد ماهانه دارد و به اصطلاح «شاخ مجازی» می‌شود، انگیزه چندان‌ی برای ثبت تقاضای شغل رسمی و اقدام برای استخدام در او باقی نمی‌ماند. او فقط در یک صورت به بازار کار رسمی برمی‌گردد، در صورتی که آینده خود را با کار کردن تأمین ببیند و پیشرفت شغلی درخور، امنیت شغلی و امید به آینده، مزایای مناسب، تسهیلات زیستی و دستمزد کافی نصیبش شود.